

بررسی و تحلیل مهریه دختران پیامبر ﷺ

* اعظم رضانی

** نعمت‌الله صفری فروشانی

*** عباسعلی حیدری

چکیده

تشکیل خانواده در سیره پیامبر ﷺ مبتنی بر سادگی و به دور از تشریفات بوده و آن حضرت همواره بر سبک بودن میزان مهریه تأکید می‌نموده‌اند. نگارنده در تحلیل مهریه دختران پیامبر ﷺ با روش «توصیفی - تحلیلی» و با رویکرد «تاریخی - روایی» به این نتیجه می‌رسد که مهریه دختران پیامبر ﷺ از میزان ۵۰۰ درهم فراتر نرفت، و آن بزرگوار را سعی بر آن بود تا با برقراری مهریه مشخص برای همسران و دخترانش، میزان مهریه را در بین امت اسلامی الگوسازی کند. ضمن آنکه هیچ‌گاه این سنت را به دیگران تحمیل نکرد و مقدار و نوع آن را، بر عهده خودشان گذاشت.

واژگان کلیدی

پیامبر ﷺ، مهریه دختران پیامبر ﷺ، مهر السنة.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران.

a.ramezani @ iau.arak.ac.ir

emam.history@gmail.com

aa.heidari@iau.arak.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹

** استاد جامعه المصطفی العالمية.

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

طرح مسئله

سنت اجتماعی مهریه، همانند سایر سنت‌ها، طی روزگار گذشته، تحولات و دگرگونی‌های زیادی را پشت‌سر گذاشته و با توجه به زمان و مکان، دچار تغییرات مختلفی شده است. اسلام بر اصل وجود مهریه صحه گذاشته و درعین حال مسیر انحرافی - اجتماعی را که در طول تاریخ به‌وجود آمده بود، اصلاح کرد و به منظور بالابردن شخصیت و کرامت زن، مهریه را حق زن دانست و دسته‌ای از قوانین اسلامی را بدان افزود. پیامبر ﷺ نیز سعی بر آن داشت تا با برقراری مهریه مشخص برای همسران و دخترانش که در بین مردم «مهرالسنة» نامیده شد، میزان آن را در بین امت اسلامی الگوسازی کند. زندگی دختران پیامبر ﷺ عموماً مورد توجه و بررسی محققین و سیره‌نگاران بوده ولی آن‌گونه که باید، به صورتی منسجم، با رویکردی تاریخی - روایی، به مسئله مهریه ایشان و نوع و میزان آن توجه نگردیده است.

از این رو، نگارنده بنا دارد در این پژوهش، با توجه به منابع متقدم تاریخی، ضمن مفهوم‌شناسی واژه مهریه، با نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی آن، مهریه دختران رسول گرامی اسلام ﷺ را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به پاسخ این پرسش برسد که عملکرد پیامبر ﷺ به‌عنوان یک اسوه و الگو، در تعیین مهریه دخترانش چگونه بوده است؟ و این می‌تواند الگویی برای مهریه در هر زمان و مکان در میان مسلمانان باشد.

مفهوم‌شناسی مهر

مهر از جمله واژه‌هایی است که در اصل اشتقاق آن اختلاف است. برخی معتقدند که مهر مشتق از کلمه اکدی^۱ است. اما به لحاظ آنکه دلیل مستندی برای آن ذکر نشده است، نمی‌توان آن را پذیرفت. برخی دیگر معتقدند این واژه از کلمه عبری موهار^۳ و از ریشه سریانی مهرا^۴ گرفته شده است و به معنای هدیه عروسی است.^۵ بستانی (م ۱۸۸۳ م) نیز مهر را، واژه‌ای عربی دانسته که فعل آن مَهَر، يَمْهَرُ می‌باشد و از نظر لغوی به معنای «عوض» است.^۶

۱. اکد. [اَكْ-ك] (اخ) اکاد. واکدی زبان قوم آکاد که کشوری واقع در شمال عراق بود که بعدها بابلی‌ها جای آنها را گرفته‌اند.

۲. جمعه، النظم الاجتماعية والسياسية، ص ۴۸.

3. Mohar.

4. Mahra.

5. The encyclopaedia of Islam, 18. glossary of Islamic terms & concepts: *The encyclopedia of Islam*, Leiden, Brill, 1999.

۶. بستانی، محیط المحيط، ص ۸۶۷ - ۸۶۶.

ابن منظور (م ۷۱۱ ق)،^۱ فیومی^۲ (م ۷۷۰ ق)، فیروزآبادی^۳ (م ۸۱۷ ق) و طریحی^۴ (م ۱۰۸۹ ق) کلمه مهر به فتح میم را به معنای صدق زن دانسته‌اند و جمع آن در مصباح المنیر «مَهْرُوه» آمده، مثل بَعْل و بُعُولَة و در مجمع البحرین «مَهْرُور» ذکر شده است.^۵

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در تعریف مهر می‌نویسد: مهر عبارت است از آنچه که زوج پرداختش را به زوجه هنگام انعقاد عقد نکاح با وی، عهده‌دار می‌شود و عبارت «مهر المرأة» به معنای آن است که برای زن مهر تعیین و نام برده شد و عبارت «امهرها» یعنی مهر را به زن اعطا کرد.^۶ نظر به معروفیت این واژه، اکثر فقهای امامیه از مهر تعریفی به عمل نیاورده و به ذکر موضوع آن بسنده نموده‌اند. چنان که مرحوم محقق حلی (۶۷۶ ق) معتقد است که هر چیزی که از عین یا منفعت باشد و تملک در آن صحیح باشد را می‌توان به‌عنوان مهر قرار داد.^۷

شهید اول (۷۸۶ ق) نیز تعریفی مشابه دارد.^۸ شیخ طوسی (۴۶۰ ق) نیز، چیزی که برای آن قیمت در نظر گرفته می‌شود و مقدار آن ممکن است کم باشد یا زیاد و زن و مرد بر روی آن توافق نمایند را مهر می‌داند.^۹

شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) برای مهر، اسم‌هایی مانند صدق، صدقه، نحلّه، اجر و فریضه را نام برده است و مهر را مالی میدانند که به واسطه وطء غیر زنا، از زن واجب می‌شود.^{۱۰} مهر تحت نام‌های دیگری نیز ذکر شده است از جمله:

۱. صَدَاق

از میان اسامی ذکر شده، کلمه صَدَاق بیشتر به معنای مهر آمده است. صَدَاق لغتی است

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۸۴.

۲. فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۸۲.

۳. فیروزآبادی شیرازی، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۸۵.

۶. شیخ مفید، رساله فی المهر، ص ۳.

۷. حلی، شرایع الاسلام، ص ۱۶۸.

۸. مکی عاملی، اللعة الدمشقیة، ص ۵۷.

۹. طوسی، النهایة، ص ۴۶۸.

۱۰. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۱۵۷.

۱۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۹۸.

و به فتح صاد و حتی به کسر آن استعمال شده. «الصَّدَاقُ» و جمع آن اَصْدِيقَه و صَدُوق: مهریه زن، کابین. که در اصل از صِدْق گرفته شده و دلالت بر رغبت صادقانه مرد به زن دارد.^۱

ابن منظور^۲ (م ۷۱۱ ق) نیز مَهْر را صَدَاق معنا نموده، و جمع آن را مِهْرُور می‌داند و در ادامه به ذکر حدیثی می‌پردازد و می‌گوید: «در حدیث ام‌حبیبیه آمده که نجاشی از طرف خود مهر او را تعیین کرد و مهر را پرداخت که می‌شود صَدَاق»،^۳ لازم به ذکر است که در زبان عربی زمانی که مهریه تعیین می‌شود، می‌گویند: «مَهَرْتُ الْمَرْأَةَ وَأَمَهَرْتُهَا» و زمانی که مهر برای زن برده می‌شود (و به او پرداخت می‌شود) به آن صَدَاق می‌گویند.^۴

راغب (م ۵۰۲ ق) نیز صَدَاق الْمَرْأَةَ وَصَدَّقُهَا وَصَدَّقَتْهَا، را کابین و مهریه زن می‌داند که به او داده می‌شود.^۵ لذا اَصْدَقْتُهَا: یعنی مهریه‌اش را دادم و زمانی به آن صَدَاق گفته می‌شود که مهر به زن پرداخت شده باشد و در این مرحله است که الصَّدَاق و الصَّدَاقَة نامیده می‌شود.^۶

واژه مَهْر در آیات قرآن به کار نرفته، اما از لغات معادل آن استفاده شده است. به‌عنوان نمونه آیه چهارم سوره نساء، که مهریه را تحت نام صدقات آورده است: «صَدَاقَ زَنَانِ رَا بَه‌عَنوَانِ بَخْشِشِ وَ نَحْلَه پَرْدَاخْتِ نَمَائِد.»^۷

۲. نَحْلَه

در لغت به معنای بخشش از روی طیب نفس و رضایت خاطر، عطا، قرض، مهریه زن، دین و مذهب به کار رفته است.^۸ لذا نَحْلَه یعنی عطیه از جانب خداوند و آن عطیه‌ای است که در مقابل آن ثمن و عوض نباشد^۹ و صَدَاق زن را از این جهت نَحْلَه نامیده‌اند که هیچ‌گونه عوض مالی در مقابل آن گرفته نمی‌شود.^{۱۰}

۱. بستانی، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۵۴۹؛ محلی الشافعی، الاصحاح عن عقد النکاح علی المذاهب الاربعه، ص ۸۲
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۸۴.
۳. «فی حدیث اُرْحَبِیْبِیَه: وَأَمَهَرَهَا النَّجَاشِيُّ مِنْ عِنْدِهِ: سَأَقَ لَهَا مَهْرَهَا. وَهُوَ الصَّدَاقُ». (همان، ج ۵، ص ۱۸۴)
۴. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثیر، ج ۴، ص ۳۷۴.
۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۳۸۹.
۶. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثیر، ج ۳، ص ۱۸.
۷. «آتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً» (نساء (۴): ۴).
۸. جُرّ، فرهنگ لاروس، عربی به فارسی (ترجمه المعجم العربی الحدیث)، ج ۲، ص ۱۸۲۶.
۹. قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۳۶.
۱۰. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۹۵.

خداوند متعال در قرآن کریم از این نماد، استفاده می‌کند و می‌فرماید: «مهر زنان را (به‌طور کامل) به‌عنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید، ولی اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.»^۱ در تفسیر نمونه در ذیل آیه، از مهر به «صَدَاقُ» و «نَحْلَةٌ» تعبیر شده است و مهر را از آن جهت صَدَاقُ می‌گویند که نشانه صادقانه بودن علاقه مرد است یا به‌خاطر آنکه نشانه صدق ایمان است.^۲

«نَحْلَةٌ» یعنی بخشش از روی رضای خاطر، به کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه هدایی، پیشکشی و عطیه دارد.

نتیجه آنکه مهر از نظر اسلام یک پیش‌کش و هدیه به زن است و هیچ‌یک از والدین حقی به آن ندارند. بنابراین در توضیح می‌توان افزود: نَحْلَةٌ هدیه‌ای است که تبرعاً^۳ پرداخت می‌شود و یک نوع خاص از هبه می‌باشد، هر هبه‌ای نَحْلَةٌ است. اما هر نَحْلَةٌ هبه نیست و به نظر می‌رسد از کلمه نحل (زنبور عسل) با توجه به فعل آن مشتق شده، زیرا زنبور بر روی همه چیز می‌نشیند، اما ضرری به آنها نمی‌رساند و در عوض بیشترین نفع را می‌رساند، او چیزی را تحویل می‌دهد که در آن شفا است، همان‌طور که خدای متعال وصف نموده است.^۴

۳. فَرِيضَةٌ

جمع آن فرایض است و از لحاظ لغوی به معنای میزان و مقدار آمده است.^۵ این واژه در قرآن کریم در آیه ۲۳۷ سوره بقره به کار رفته است که معنا و مفهوم آن در آیه مذکور چیزی جز مهریه و کابین نمی‌باشد. «و هرگاه زنان را پیش از همبستری طلاق دادید، نیمی از مهر آنان را پرداخت نمایید.»^۶

۴. أَجْرٌ

یکی دیگر از کلماتی که در معنای مهر استعمال شده است، واژه آجر می‌باشد. وَأَجْرُ الْمَرْأَةِ: یعنی

۱. «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِنْ طَبَنَ لَكَرَّ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء (۴): ۲۳۷).

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۲.

۳. تبرع: بخشش بدون درخواست.

۴. ابو یعلی، مسند ابی یعلی، ج ۸، ص ۳۰ و ۵۵؛ ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۶؛ دیلمی، الفردوس،

ج ۲، ص ۲۰۵؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۴، ص ۳۶۵.

۵. معلوف، المنجد فی اللغة والأعلام، ص ۵۷۷.

۶. «وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ قَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا قَرَضْتُمْ» (بقره (۲): ۲۳۷).

مَهْرَ آن زن^۱ که جمع آن أَجُور است و در قرآن کریم آمده: «أَجُورَ أَنهَآ رَأ، وَآجِبَ اسْتِ بِإِذَانِ»^۲ که کنایه از مهریه و کابین زنان دارد.^۳ همچنین خداوند در قرآن کریم، ضمن آنکه احکامی برای زنان پیامبر ﷺ آورده، تحت همین نام به مهریه اشاره فرموده است.^۴ و تعبیر «آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ» به این نکته اشاره دارد.

۵. نَافِجَةٌ

نَافِجَةٌ در لغت به معنای فزونی است. جمع آن نَوَافِجٌ و مؤنث نَافِجٌ است. معانی مختلفی برای آن ذکر شده، از جمله: ابری که باران بسیار داشته باشد، بادی که با شدت آغاز به وزیدن کند و دختر که با مهریه خود دارایی پدرش را زیاد کند.^۵ نَافِجَةٌ از کلماتی است که عرب در دوران جاهلیت از آن، در خصوص مهر استفاده می کرده است.^۶ چراکه در میان بادیه‌نشینان رسم بر این بود که خواستگار برای پرداخت مهریه، تعدادی شتر را تا خیمه زن می آورد، تا اینکه به دلیل کثرت استعمال این کلمه بر مبنای مهریه دلالت کرده است.^۷ لذا به شتری^۸ گفته می شد که هنگام ازدواج از سوی خانواده داماد به عروس پیشکش می شد، و بنابر رسم، این مهریه به پدر و اولیای دختر تعلق می گرفت و به گله شتران پدر و قبیله دختر افزوده می شد.^۹

۶. حُلُوان

حُلُوان معانی متعددی دارد، از جمله حق دلالی یا رشوه و هدیه‌ای که علاوه بر مزد، به کسی داده می شد و چون در میان اعراب جاهلی مهریه به ولی زن تعلق می گرفت، این کلمه در معنای مهریه نیز به کار می رفت.^{۱۰} لذا «حُلُوانُ الْمَرْأَةِ» یعنی مهر زن، همچنین آمده: مهر المتعه‌ای است

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۰.

۲. «فَاتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء (۴): ۲۴).

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۵۲.

۴. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَعْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ...: ای پیامبر، ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای، برای تو حلال کردیم...» (احزاب (۳۳): ۵۰)

۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۲.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۱۰.

۸. در منابع از نوع و سن و سال شتران چیزی ذکر نشده.

۹. نیشابوری، مجمع الامثال، ج ۲، ص ۳۶۸.

۱۰. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۹۵.

که به زن در مکه تعلق می‌گرفت،^۱ و آن مقدار از مهر دختر بود که پدر برای خودش برمی‌داشت، و این کار نزد عرب ننگ بود^۲ و حلوان آن چیزی است که مرد، از مهر دخترش، برای خود برمی‌دارد.^۳ و شاعر می‌گوید: و نأخذ الخُلوان من بناتنا، یعنی: از دخترانمان خُلوان می‌گیریم.^۴

پیشینه تاریخی مهریه در جامعه عرب قبل از اسلام

شکل اصلی و رایج نکاح در میان اقوام عرب، ازدواجی به نام «بعولة» (پیوند زناشویی) بوده است.^۵ بر مبنای این ازدواج، مرد (بعل) و زن (بعلة)، همسران یکدیگر می‌شدند و هرگاه با این ازدواج، فرزندی زاده می‌شد، آن فرزند در نسب تابع پدر بود. در شکل عادی، ازدواج بر سه عنصر «خواستگاری»، «مهریه» و «عقد» تکیه داشت.^۶

ساختار قبیله‌ای و شیوه معیشت اعراب جاهلی^۷ و پس از آن، زیبایی و نسب دختر در قبیله سبب شده بود تا میزان مهریه در میان آنها، متفاوت باشد.^۸ و بنابر تعصبات و تفاخرات جاهلی، به برتری‌های قبیله در جنگاوری و ثروت بستگی یابد.^۹ مهریه به مرور وسیله‌ای برای تفاخر شد و مهر بیشتر نشانه بزرگی و مطلوبیت زن به حساب می‌آمد.^{۱۰} قبایلی که در شرافت و بزرگی در میان اعراب جایگاهی داشتند، ارقام بسیار هنگفت در ازدواج قرار می‌دادند، چنان‌که قبیله کنده حداقل ۱۰۰ شتر از خانواده داماد دریافت می‌کرد.^{۱۱} (این همان قبیله‌ای است که به غلو مهریه در میان اعراب مشهور بوده است.)

مهریه خدیجه رضی الله عنها که از بزرگان قبیله قریش به حساب می‌آمد، در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله — قبل از

۱. «خُلوانُ المرأة: مهرها، وقيل: هو ما كانت تُعطي علي مُتعتها بمكة». (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۹۳)

۲. همان.

۳. خُلوان: ما أخذ الرجل أيضا لنفسه من مهرابنته.

۴. بلوی المالقی، کتاب ألف باء فی أنواع الآداب و فنون المحاضرات واللغة، ج ۱، ص ۵۶۳.

۵. أُلوسی، بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب، ج ۲، ص ۳.

۶. همان.

۷. از نظر زمانی، دوران قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله تا — حداکثر — ۲۰۰ سال را دوران جاهلی می‌نامند. (شوقی ضیف،

تاریخ الأدب العربی، ص ۳۸).

۸. علی، المفصل، ج ۵، ص ۵۲۷.

۹. ترمذینی، زواج عند العرب، ص ۱۳۶.

۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۲؛ دینوری، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱۱. زمخشری، ربیع الأبرار، ج ۵، ص ۲۴۴؛ خوارزمی، مفید العلوم، ص ۴۸۸.

بعثت آن حضرت - ۲۰ شتر جوان بود.^۱ و در نقلی آمده که ۲۰ شتر را جناب ابوطالب به عهده گرفت.^۲ ضمناً در میان بادیه‌نشینان رسم بر این بود که خواستگار برای پرداخت مهریه، تعدادی شتر را تا خیمه زن می‌آورد، درحالی که عرب شهرنشین، وجه نقد (درهم و دینار) را ترجیح می‌داد.^۳

نوع و مقدار مهریه در بین زنان مکه در عصر نبوی

قبل از هجرت، برای تعیین میزان مهریه در بین اعراب، روش یکسانی وجود نداشت و پایین‌ترین و بالاترین حد میزان مهریه مشخص نبود، بلکه به اتفاق نظری بستگی داشت که بین دو طرف ایجاد می‌شد و با توجه به اختلاف جایگاه و ثروت اشخاص تفاوت داشت. آنها بیشتر از «عین» (زمین و شتر) به عنوان مهریه استفاده می‌کردند. تعداد شتران نیز به جایگاه زن در قوم و حسن و جمال او بستگی داشت.^۴ گاهی اوقات تعداد این شترها به ۱۰۰ و ۱۵۰ نفر نیز می‌رسید. در میان شهرنشینان، اغلب مهریه به صورت درهم و دینار بود. به عنوان نمونه حارث بن سلیل اسدی، موقع ازدواج با زبّاء دختر علقمه،^۵ مهریه را ۱۵۰ شتر و ۱۰۰۰ درهم قرار داد.^۶

گاهی مقدار زیادی زمین به عنوان مهریه در نظر گرفته می‌شد، آن‌چنان که حارث بن عمرو بن حجر کندی رئیس قبیله «کنده»^۷ به ام ایاس - دختر زیبای عوف بن محلم شیبانی - زمین فراوانی در کنده به عنوان مهر داد.^۸ مردم عرب‌تبار، فزونی مهر را دلیل بر علو شأن و مقام خود می‌دانستند و به فراوانی مهر افتخار می‌کردند.^۹

نوع و مقدار مهریه در بین زنان مدینه در عصر نبوی

زنان در میان اهل مدینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند، به طوری که مهاجران مدینه را تحت

۱. قاضی ابرقو، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. لیمود، منتقى النقول فی سیره أعظم رسول، ص ۱۳۹.

۳. ترمذینی، الزواج عند العرب فی الجاهلیة والاسلام، ص ۱۴۲.

۴. همان.

۵. زبّاء [زبّ با] (اخ) دختر علقمة بن خصفه طائی است. وی از زیباترین زنان روزگار خویش به‌شمار می‌رفت. و حارث بن سلیل اسدی دوست علقمه بود.

۶. عسکری، جمهرة الامثال، ج ۱، ص ۲۶۲.

۷. پدر بزرگ امرء القیس شاعر.

۸. ابن عبد ربّه، العقد الفرید، ج ۶، ص ۱۱۴.

۹. ابن حبیب، المحبر، ج ۱، ص ۲۴۹.

تأثیر قرار داده و نفوذ زنان در مدینه آنان را شگفت‌زده ساخت. آمده است که عمر بن خطاب پس از مهاجرت به مدینه می‌گوید: هنگامی که در میان قریش بودیم بر همسران خود چیرگی داشتیم، تا اینکه بر انصار وارد شدیم و دیدیم که زنانشان بر مردان چیرگی دارند و از این پس بود که زنان ما نیز این شیوه را از آنان آموختند.^۱ از سویی خلق و خو، آداب و رسوم و فرهنگ ساکنان مدینه با مردمان مکه متفاوت بود، ساکنان مدینه بیشتر با کشاورزی روزگار می‌گذراندند و مکیان تاجر بودند و هر کدام از این نوع زندگی‌ها ملزومات خاص خود را می‌طلبید. بر همین اساس یکی از مسائلی که در تعیین میزان مهریه در دوره و عصر پیامبر ﷺ نقش مؤثری داشت، عرف جامعه بوده است، چنان‌که آن حضرت مقدار صدق را همانی می‌دانست که در بین مردم رواج داشت.^۲

در گزارشی آمده است که ثابت بن قیس بن شماس از قبیله خزرج، در مدینه نخلستانی با بیش از ۵۰ یا ۵۰۰ نخل داشت. او یکی از باغ‌هایش را مهریه زنش حبیبه دختر سهل انصاری نمود.^۳ تا آنکه حبیبه، خواهان جدایی از همسر خود شد و نزد پیامبر ﷺ آمد و خواسته‌اش را مطرح کرد. پیامبر ﷺ پرسید: آیا آن باغ که بابت مهریه تعیین شده، اکنون در اختیار می‌باشد؟ حبیبه پاسخ داد: بله، پیامبر ﷺ از ثابت بن شماس خواست با قبول باغ که مهر حبیبه بود، او را طلاق دهد.^۴

دختران پیامبر ﷺ

آن‌گونه که در منابع آمده رسول خدا ﷺ چهار دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه زهرا ﷺ داشته است^۵ که در این قسمت از پژوهش، میزان و مقدار مهریه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.^۶

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۷۴ و ۷۸۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۷ - ۶۶.
۲. «روي الدارقطني عن أبي سعيد. قال: سألتنا رسول الله صلى الله عليه وسلم عن صدق المرأة النساء. قال: هو ما اصطاح عليه أهلوهم از رسول الله ﷺ در مورد صدق زنان پرسیدیم فرمود: همان است که بین مردم رایج است.» (الصالحی الشامی، سیل الهدی، ج ۹، ص ۲۹۱)
۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۸.
۴. قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۷۲؛ نعلبی، تفسیر نعلبی، ج ۴، ص ۱۹۸؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۲۱۴.
۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۴۵؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۵، ص ۴۱۷، ۴۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۸، ص ۸۱.
۶. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۶۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۱۲.
۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷۴؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۸، ص ۱۳۸.
۸. هر چند برخی فقط فاطمه زهرا ﷺ را دختر آن حضرت دانسته و معتقدند، دختران دیگری که به پیامبر ﷺ نسبت داده شده‌اند، دختران خدیجه ﷺ و ربیبه‌های پیامبر اکرم ﷺ بوده‌اند.

۱. مقدار مهریه زینب (۸ ق)

زینب که مسلمان شد، رابطه زناشویی او با «ابو العاص بن ربیع» - نام وی «لقیظا»^۱ و فرزند هاله، خواهر خدیجه رضی الله عنها بود و پیش از بعثت با او ازدواج کرده بود - به تیرگی گرایید، ابوالعاص نه اسلام آورد و نه حاضر به طلاق زینب شد و از آنجاکه پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل قریش هیچ قدرتی در مکه نداشت، نتوانست آنها را از هم جدا و ابوالعاص را مجبور به طلاق زینب نماید.^۲ ابوالعاص سپس در ماه محرم سال هفت هجری درحالی که مسلمان شده بود، به مدینه هجرت نمود و به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید.^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از شش سال جدایی، زینب را با همان عقد زناشویی پیشین نزد او فرستاد.^۴ برخی نیز (بدون قید مقدار و نوع مهریه) گفته‌اند، آن حضرت عقد را تجدید نمود و زینب را با مهر و نکاح جدید به زوجیت ابوالعاص درآورد.^۵ ابن کثیر (۷۷۴ ق) گزارش کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله، مبلغ ۱۲ اوقیه^۶ و یک نش^۷ جمعاً معادل ۵۰۰ درهم آن زمان را به‌عنوان مهریه، تعیین نموده است.^۸

۲. مقدار مهریه رقیه (۲ ق)

رقیه پیش از اسلام با پسرعموی پدرش «عتبه بن ابولهب بن عبدالمطلب» ازدواج کرد که از مهریه او گزارشی در دست نمی‌باشد. پدر و مادر عتبه پس از نزول سوره مبارکه «مسد» فرزند خود را مجبور کردند تا همسر خود - رقیه - را طلاق دهد.^۹

البته پیامبر صلی الله علیه و آله قبلاً طلاق رقیه را از عتبه خواسته بود و خود رقیه نیز به دلیل مسلمان شدن

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۰.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳؛ واقدی، السیرو المغازی،

ج ۲، ص ۵۵۳؛ ابو داود، سنن، ص ۲۷۲.

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۹؛ ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۴، ص ۲۲۲ و ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابن حجر،

الاصابه، ج ۴، ص ۱۲۲.

۶. اوقیه شرعی در قرون نخستین اسلامی در مکه معادل ۴۰ درهم می‌باشد. (هینتس، اوزان و مقیاس‌ها در اسلام،

ص ۵۴ به بعد)

۷. نش: نصف اوقیه و معادل ۲۰ درهم است.

۸. ابن کثیر، البدایه، ج ۷، ص ۳۴۲.

۹. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۱.

خواستار طلاق بود.^۱ پس از آن، رقیه با مهریه ۱۲ اوقیه و یک نش به ازدواج عثمان درآمد،^۲ ابن اثیر (۶۳۰ ق) در مورد تاریخ وقوع این ازدواج می‌گوید: «زمانی که عثمان اسلام آورد، رسول خدا ﷺ دخترش رقیه را به همسری او در آورد.»^۳

۳. مقدار مهریه ام‌کلثوم (۹ ق)

ام‌کلثوم در زمان جاهلیت با «عتیبه بن ابولهب» ازدواج کرد. زمانی که سوره مبارکه «مسد» در مذمت ابولهب و همسرش نازل شد،^۴ بزرگان قریش و پدر و مادر عتیبه از او خواستند که دختر محمد ﷺ را رها کند و در مقابل، دختر «سعید بن عاص» را تزویج کند. او نیز ام‌کلثوم را طلاق داد و با دختر سعید ازدواج کرد.^۵ زمانی که رقیه دختر بزرگ‌تر حضرت از دنیا رفت، ام‌کلثوم در سال سوم هجرت، به عقد عثمان بن عفان درآمد.^۶ بعضی از منابع روایی^۷ خواسته‌اند که تحقق چنین پیوندی را به وحی استناد دهند، ولی بعضی از علما نسبت به سلسله اسناد چنین روایتی تردید کرده و غالباً به نفی اصالت آن نظر داده‌اند.^۸ طبق نقلی پیامبر ﷺ با همان مهریه رقیه، ام‌کلثوم را به عقد عثمان درآورد.^۹ ازدواج آنها در ربیع‌الاول سال سوم هجرت صورت گرفت و ام‌کلثوم تا پایان عمر همسر عثمان بود.^{۱۰}

۴. مقدار مهریه فاطمه ﷺ (۱۱ ق)

حضرت فاطمه ﷺ دارای خواستگاران بسیاری در بین صحابه بود،^{۱۱} ولی پیامبر ﷺ درخواست ازدواج آنها را نپذیرفت^{۱۲} و دخترش را به عقد علی ﷺ درآورد. در بین خواستگاران، عمر و ابوبکر

۱. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۵، ص ۴۵۶.

۲. ابن کثیر، البداية، ج ۷، ص ۳۴۲.

۳. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۳، ص ۳۷۶.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۸۴.

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۰۱.

۶. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴.

۷. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۵۳.

۸. همان، ص ۵۴؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۶۴؛ ابن حجر، تهذیب، ج ۹، ص ۳۳۶.

۹. فسوی، المعرفة، ج ۳، ص ۱۵۹؛ ابن حجر، الإصابة، ج ۸، ص ۴۶۱.

۱۰. طبری، تاریخ، ج ۱۱، ص ۵۹۵؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۲.

۱۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵۲؛ نسائی، سنن، ج ۶، ص ۶۲.

۱۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

هم دیده می‌شدند.^۱ افرادی نیز، همچون عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان، خواستگار فاطمه علیها السلام بودند که مهریه‌های بالایی را پیشنهاد می‌نمودند.

از انس بن مالک روایت شده، عبدالرحمن در ازای ازدواج با فاطمه علیها السلام حاضر بود ۱۰۰ شتر سیاه‌موی که همگی آنها محملی از جنس پارچه‌های مصری به همراه داشتند به‌عنوان مهریه پیشکش نماید، عثمان نیز حاضر بود همین مهریه را پرداخت کند.^۲ اما پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها روی برگرداند و منتظر ماند، تا آنکه علی علیه السلام قدم پیش نهاد و با آنکه تهی دست بود، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مشورت با دخترش درخواست او را پذیرفت.

درخصوص میزان مهریه فاطمه علیها السلام در بین مورخان اختلاف است. زیرا برخی آورده‌اند که فقط زرهی بود که علی علیه السلام در آستانه برپایی مراسم به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فروخت و بهایش را نزد ایشان برد^۳ و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آن پول، برای دخترش جهیزیه و سایر وسایل تهیه نمود. برخی دیگر علاوه بر زره به چیزهایی دیگر اشاره نموده‌اند،^۴ و برخی مبلغ مهریه فاطمه علیها السلام را به سکه نقره رایج آن زمان بیان داشته‌اند.^۵

نوع و میزان مهریه حضرت فاطمه علیها السلام در منابع شیعه

۱. کلینی (۳۲۸ ق) با اسناد مختلف، از قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده: مهریه حضرت فاطمه علیها السلام لباس یمنی کهنه و زرهی بود و فرش خانه او پوست میشی که آن را می‌نداختند و بر روی آن می‌خوابیدند.^۶
۲. شیخ طوسی (۴۶۰ ق) با واسطه از علی علیه السلام نقل می‌کند که مهریه حضرت فاطمه علیها السلام زره حُطْمِیَّه بوده است.^۷
۳. برخی گزارش‌ها مهریه آن حضرت را یک «زره حُطْمِیَّه» به مبلغ ۳۰ درهم می‌دانند^۸ و شاهد

۱. همان.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۰۶.

۳. اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۵۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۷.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

۵. خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۷.

۶. کان صدق فاطمه علیها السلام جرد برد خیرة و درع حطمیة و کان فراشها إهاب کبش یلقبانه یفرشانه وینامان علیه. (کلینی، کافی،

ج ۵، ص ۳۷۸ - ۳۷۷)

۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۶۴.

۸. حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۷۳، شماره ۶۳۴؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۶۴.

مثال ایشان فرمایش امام صادق ﷺ است که می‌فرماید: پیامبر ﷺ فاطمه ﷺ را به یک زره حطمیه که ارزش آن به ۳۰ درهم می‌رسیده تزویج کرده است.^۱

۴. در گزارش ازدواج امام جواد ﷺ با دختر مأمون آمده است زمانی که امام، أم‌الفضل دختر عبدالله المأمون را به عقد خود درآورد، فرموده است که ام‌الفضل را با مهریه جدهام فاطمه ﷺ دختر محمد ﷺ که ۵۰۰ درهم بوده، به عقد خود درمی‌آورم.^۲

نوع و میزان مهریه حضرت فاطمه ﷺ در منابع اهل سنت

منابع حدیثی اهل تسنن، نوع و میزان مهریه فاطمه ﷺ را مختلف گزارش نموده‌اند:

۱. ابن سعد (۲۳۰ ق) اقوال مختلفی را در این رابطه ذکر می‌نماید: از عبیدالله بن موسی، از اسرائیل، از جابر، از محمد بن علی باقر ﷺ روایت نموده که کابین فاطمه ﷺ بردی^۳ کهنه و پوست دباغی شده گوسفندی بوده است^۴ و همچنین از قول سفیان بن عیینه از عمرو، از عکرمه نقل کرده که علی ﷺ با یک زره آهنی آستین کوتاه، فاطمه ﷺ را به عقد خود در آورده است.^۵ ابن حجر (۸۵۲ ق) این حدیث را مرسل اما صحیح الاسناد دانسته.^۶

ابن سعد به نقل از وکیع بن جراح از منذر بن ثعلبه و از علباء بن احمر یشکری نقل کرده که علی ﷺ فاطمه ﷺ را به همسری گرفت و «بغیر»^۷ شتر خود را به ۴۸۰ درهم فروخت^۸ و بلافاصله در ادامه به نقل از محمد بن فضل از یحیی بن سعید از محمد بن ابراهیم روایت می‌کند که می‌گفته است: «کابین دختران و همسران حضرت ختمی مرتبت همواره ۵۰۰ درهم، معادل ۱۲/۵ اوقیه بوده است».^۹

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۸.

۳. [ب] [ع] نوعی از جامه (لغت‌نامه دهخدا) جامه‌ای بوده است قیمتی و گران‌بها و پارچه‌ای که در یمن بافته می‌شده یا خاص یمن بوده است. (مذهب الاسماء)

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۰.

۵. همان، ص ۲۲.

۶. ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۳۶۵.

۷. بغیر [ب] [ع] شتر نه ساله و یا چهارساله (لغت‌نامه دهخدا) و گاهی درناقه هم استعمال کنند. (منتهی الارب)

۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹؛ راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، ج ۴، ص ۴۷۷.

۹. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹.

۲. عده‌ای معتقدند مهریه حضرت فاطمه علیها السلام فقط «دِرْعُ الحُطْمِيَّة»^۱ یعنی زره حطمیه بوده است.^۲
۳. برخی نیز مهریه آن حضرت را بُرد کهنه «جَرْدٌ بُرد» و «دِرْعُ حُطْمِيَّة» می‌دانند.^۳
۴. بیهقی (۴۵۸ ق) مهریه ایشان را زرهی آهنی، و سبویی گرد (جره دوآر) می‌داند.^۴
۵. برخی نیز گزارش نموده‌اند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله دخترش را با ۴۸۰ درهم به عقد علی علیه السلام درآورد.^۵ علاوه بر آن برخی دیگر ضمن تأیید این مطلب، تأکید دارند که حضرت علی علیه السلام مبلغ حاصله را از فروش «زره آهنی» به‌دست آورد.^۶
۶. گروهی دیگر می‌گویند مهریه آن حضرت ۴۰۰ درهم بوده است.^۷
۷. محب‌الدین طبری (۶۹۴ ق) از عطاءبن ابی رباح نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: از مال دنیا چه داری؟ علی عرض کرد: ای پیامبر خدا شما وضع مرا بهتر می‌دانید: یک شتر و یک شمشیر و یک زره دارم، پیامبر صلی الله علیه و آله برای فروش زره موافقت فرمود و علی علیه السلام زره را ۴۸۰ و یا ۵۰۰ درهم فروخت.^۸
۸. سیوطی (۹۱۱ ق) می‌گوید که حضرت علی علیه السلام به امر پیامبر صلی الله علیه و آله زره خود را به ۱۲ اوقیه فروخت و آن را مهریه فاطمه علیها السلام قرار داد.^۹ (هر اوقیه ۴۰ درهم بوده و مجموعه آن ۴۸۰ درهم می‌شود).

۱. این زره به طائفه‌ای از عبدالقیس که به آنان حطمه‌بن حارث گفته می‌شد و شغل آنها درست کردن زره بود، نسبت داده شده است و هر شمشیری که با آن برخورد می‌کرد شکسته می‌شد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۰).

۲. ابن حبان، صحیح، ج ۹، ص ۴۹؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۹؛ ابو داود، سنن، ج ۱، ص ۴۹۰؛ طوسی، امالی، ج ۱، ص ۳۹؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۵؛ ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۳۶۵.

۳. جرد. [ج] [ع ص،] جامه کهنه فرسوده (منتهی الارب).

۴. بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۴، ص ۳۷۷.

۵. بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۳۵.

۶. ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۵؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۹؛ زرنزدی، نظم درر السمطین، ص ۱۸۳؛ هیتمی، صواعق المحرقة، ص ۸۰؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۶۲.

۷. احمد، مسند، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۵۰؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۱۶.

۸. عسکری، اوائل، ص ۵۳؛ خوارزمی، مناقب، ص ۳۳۷؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۲۰؛ گنجی، کفایة الطالب، ص ۲۹۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱.

۹. طبری، ذخائر العقبی، ص ۳۳.

۱۰. سیوطی، النغور الباسمة، ص ۷.

بررسی و تحلیل مهریه حضرت فاطمه ﷺ

۱. امام علی ﷺ برای تأمین مهریه همسرش وسیله‌ای را فروخته است، ولی در اینکه چه بوده و به چه قیمت فروخته شده، نظر واحدی وجود ندارد. نوع و میزان مهریه حضرت فاطمه ﷺ در منابع شیعه و اهل تسنن مختلف گزارش شده است. به عنوان نمونه ابن سعد (۲۳۰ ق) فقط به ذکر اقوال مختلف بسنده کرده و قول ترجیحی را بیان نکرده است. ولی می‌توان با جرأت گفت که مقدار مهریه حضرت فاطمه ﷺ از ۵۰۰ درهم فراتر نرفته است. حال ممکن است این ۵۰۰ درهم نقره، پول زره، یا حاصل مجموع پول زره و چند چیز دیگر باشد. هر چند ظاهراً در بهای آن اختلاف وجود دارد، اما این اختلاف قیمت، قابل توجیه می‌باشد و با آنکه فقها در اینکه ۵۰۰ درهم معادل چه مقدار نقره است مختلف القول می‌باشند، ولی صرف نظر از برخی از اختلافات، اکثر آنان معتقدند ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲ مثقال صیرفی نقره خالص می‌باشد.^۱ مرحوم سبزواری (۱۴۱۴ ق) نیز قیمت هر درهم را چیزی معادل ۲/۶ گرم نقره بیان نموده است.^۲
۲. درخصوص اینکه روایت امام صادق ﷺ - که فرموده‌اند: ارزش زره ۳۰ درهم بوده - چگونه با ۴۰۰ و یا ۴۸۰ و یا ۵۰۰ درهم سازش دارد؟ می‌توان گفت که فقط در دو یا سه مورد از روایات به چنین چیزی اشاره شده که ارزش زره ۳۰ درهم بوده است و این گزارش، با گزارش‌های فراوان دیگر، در تعارض است و امکان اشتباه و تصحیف^۳ دینار در آن وجود دارد.
۳. پس از آنکه علی ﷺ فاطمه ﷺ را از رسول خدا ﷺ خواستگاری نمود، اولین سؤال پیامبر ﷺ آن است که علی ﷺ به عنوان مهریه چه دارد، در اینجا حضرت با مطرح کردن این سؤال تلویحاً بر ضرورت وجودی مهریه تأکید دارند.
۴. حضرت رسول ﷺ در تعیین مهریه، تمکن مالی علی ﷺ را در نظر گرفته و هرآنچه که داماد دارد را به عنوان مهر می‌پذیرند و چیزی که از عهده علی ﷺ بر نیاید را بر ایشان تحمیل نمی‌کنند.
۵. با آنکه حضرت رسول ﷺ، شناخت کاملی از علی ﷺ داشتند، پرداخت مهریه را موکول به آینده نکردند و مضافاً هیچ‌گونه مبلغی را بر ذمه علی ﷺ نگذاشتند.

۱. خواجه‌نوی، جامع الشتات، ج ۴، ص ۴۸۶؛ نراقی، رسائل و مسائل، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حلی، تبصرة المتعلمین، ج ۲، ص ۵۴۳.

۲. سبزواری، مهذب الأحكام، ص ۷۳.

۳. از اصطلاحات علم درایه و حدیث‌شناسی. تصحیف در لغت به معنای خطا در صحیفه (ابن منظور، لسان العرب، ذیل «حرف» و «صحف»).

۶. مسلماً اگر دارایی علی علیه السلام بیش از ۵۰۰ درهم بود یا ارزش زره فراتر از این مبلغ می‌شد، با توجه به سیره رسول الله صلی الله علیه و آله مبلغ مهر از ۵۰۰ درهم فراتر نمی‌رفت.

میزان قدرت خرید مهریه حضرت فاطمه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله با پول مهریه مقداری وسیله به‌عنوان جهیزیه تهیه کردند. دقت در جزئیات گزارش خریدهای انجام شده - آن‌گونه که در منابع شیعه و اهل سنت از آن یاد شده - می‌تواند ما را در رسیدن به ارزش قیمتی مهریه یاری رساند.

مقدار جهیزیه حضرت فاطمه علیها السلام

۱. برخی از منابع از قول حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله برای چهار فاطمه علیها السلام وسایلی را تهیه نمود که عبارتند از: پارچه‌ای مخملین، مشک آب و بالشی از پوست که با برگ (لیف خرما) یا گیاه خوش‌بویی به نام اذخر پر شده بود.^۱
۲. برخی به نقل از علی علیه السلام می‌گویند: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به ازدواج او درآورد، همراه او پارچه‌ای مخملی، بالشی پرشده از لیف، دو سنگ دستاس، ظرف آبخوری و دو عدد سبو فرستاد.^۲
۳. برخی از ائمه روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که جهیزیه تهیه شود، پس جهیزیه‌ای خریداری شد که تشکیل شده بود از: تخت روکش‌دار و بالشی از پوست که از برگ خرما پرشده بود، پارچه یا پرده مخمل، ظرف آبخوری، مشک آب، دو عدد سبو، دلو آب از پوست، الک، دستمال یا حوله، قدح، پوست گوسفند، دو سنگ آسیا (دستاس) و فرمود کف‌خانه را ماسه ریختند و برای آنان زیتون و انجیر خشک یا مویز آورد.^۳
۴. برخی از قول ابن عباس نقل کرده‌اند: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج کرد، به آنها تخت و ظرف آبخوری، بالشی پرشده از لیف خرما، مشک آب، دلو آب و شن صحرا که کف‌خانه را با آن پوشاندند، اهدا نمود.^۴
۵. طبق اقوال دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله مبلغ مهریه را سه قسمت کرد، قسمتی را به بلال داد، تا از آن

۱. شیبانی المروزی، المسند، ج ۱، ص ۱۰۸؛ نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. ابن جوزی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۴؛ ابن کثیر، البداية، ج ۶، ص ۳۴۲؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۴، ص ۳۶۸.

۳. قسطلانی، المواهب اللدنیة، ج ۲، ص ۴؛ حضرمی، رشفة الصادی، ص ۱۰.

۴. زرنزی، نظم در السمطین، ص ۱۸۸؛ سیوطی، الثغور الباسمه، ص ۷.

عطری خوشبو تهیه کند، و دو قسمت دیگر را برای تهیه وسایل زندگی و لباس تعیین فرمود. بدین گونه پیامبر ﷺ، با آن پول، وسایل بسیار ساده یک زندگی مشترک که حداقلی لوازم بود را تهیه نمود که سیاهه این وسایل و بهای بخشی از آنها موجود است.^۱

۶. ابوداود به سند خود از قتاده و او هم از حسن بصری و او از انس بن مالک روایت کرده که زمانی که علی ﷺ پول حاصله را نزد پیامبر ﷺ گذارد، پیامبر ﷺ مقداری از آن مبلغ را برداشته و به بلال داده و از او خواست که با مقداری از آن، عطر بخرد و آنگاه به اصحاب می فرماید برای علی و فاطمه یک تخت بخرند و یک بالش که محتوای آن از لیف خرما بوده و کف خانه را از رمل و شن نرم پر کنند.^۲

۷. فهرستی که شیخ طوسی (۴۶۰ ق) برای جهاز نوشته، چنین است: پیراهن عروس به قیمت هفت درهم، عبا چادر قُطوانی کوفه‌ای، روسری بزرگ به چهار درهم، روانداز سیاه‌رنگ، تختخواب عربی از چوب و لیف خرما، دو تشک از کتان مصری، چهار بالش که دو تا از پشم و دو تای دیگر از لیف خرما بوده، یک عدد پرده نازک از جنس پشم، یک قطعه حصیر از اطراف بحرین قَطَر، دستاس جهت آرد کردن گندم که از سنگ ساخته شده بود، طشت مسی برای خمیر کردن آرد و شستن لباس، ظرف آب مشک که از پوست بزغاله بود، قدحی چوبی برای شیر و دوغ، مشکى جهت سرد شدن آب، آفتابه و لگن، بستوی سبز رنگ جهت نگهداری روغن، کتری سفالی شبیه آفتابه، فرش از پوست حیوان جهت نشستن و مشک آبی برای کارهای متفرقه.^۳

بررسی و تحلیل میزان قدرت خرید مهریه حضرت فاطمه ﷺ و معادل ریالی آن در

عصر حاضر

۱. توجه به این نکته ضروری است که اصولاً پول در آن زمان‌ها ارزش بیشتری داشته است و ارزش ۵۰۰ درهم در زمان رسول خدا ﷺ خیلی بیشتر از ۵۰۰ درهم در این زمان بوده است، به طوری که ۵۰۰ درهم، پول یک زره - یعنی از ارزشمندترین ابزارهای جنگی آن زمان - بوده است.
۲. حضرت علی ﷺ پس از آنکه زره خود را حداکثر به قیمت ۵۰۰ درهم آن روزگار به فروش رسانید،

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲. ابن قندوزی، ینابیع الموده، باب ۵۵، ص ۱۷۵؛ ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۵؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۹؛ هیتمی، صواعق المحرقة، ص ۸۰.

۳. طوسی، امالی، ج ۱، ص ۴۰.

خدمت پیامبر ﷺ رسید و تمام پول را به آن حضرت تقدیم نمود. پیامبر اکرم با ۶۳ درهم از این پول اسباب و لوازم زندگی و جهیزیه حضرت زهرا را خریداری کرد و مقداری را هم در راه خرید عطر و بوی خوش به مصرف رسانید و مقدار باقی مانده صرف خرید لباس برای حضرت زهرا شد. بنابراین ۵۰۰ درهم مبلغ ناچیزی نبوده است. درست است که جهیزیه حضرت زهرا ساده بود ولی خرید همان اسباب و لوازم ساده هم در آن زمان نیازمند پول قابل توجهی بوده است.

۱. مهرالسنه و مقدار آن

یکی از برجسته‌ترین آثار و نتایج رسالت پیامبر ﷺ ایجاد دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی بود. از جمله اقدامات اجتماعی رسول گرامی اسلام ﷺ که می‌توانست تأثیرات شگرف فرهنگی در جامعه برجای گذارد، اصلاح مسائل مربوط به ازدواج است. نقل‌های متواتر، مهریه اغلب همسران و دختران پیامبر ﷺ را «۱۲/۵ اوقیه نقره» برابر با «۵۰۰ درهم» دانسته‌اند^۱ که از آن به مهرالسنه تعبیر می‌شود و مهریه اغلب همسران پیامبر ﷺ از حد مهرالسنه فراتر نرفت و حتی در مواردی کمتر از آن هم ذکر شده است. شیخ صدوق (۳۸۱ ق) از امام صادق ع روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: رسول الله ﷺ هیچ‌کدام از دختران و همسرانش را با بیش از ۱۲/۵ اوقیه تزویج نکرده است.^۲

لذا به مهریه‌ای که رسول خدا ﷺ برای همسران خودشان در نظر گرفتند و دختران خود را نیز به همین مقدار به تزویج همسرانشان درآوردند، مهرالسنه می‌گویند که از جمله موارد مهر المسمی^۳ می‌باشد. بعید نیست که رسول خدا ﷺ به منظور جلوگیری از ازدیاد مهر، در تثبیت این سنت تأکید داشته است.

۱. بابویه قمی، *فقه الرضا*، ص ۲۳۴؛ مقدار مهرالسنه را ۵۰۰ درهم می‌داند و می‌گوید پیامبر ﷺ همسران و دخترانش را با همین مهریه به همسری برگزید و دیگران نیز آن را تأیید نموده‌اند مانند: صدوق، *مفنیع*، ج ۲، ص ۳۰۲؛ شیخ مفید، *احکام النساء*، ص ۳۷؛ حلبی، *الکافی فی الفقه*، ۴۴۷؛ قاضی ابن براج، *مهدب*، ج ۲، ص ۲۸۵؛ حلبی، *شرایع الاسلام*، ج ۲، ص ۵۴۵؛ حلبی، *مختلف الشیعه*، ج ۷، ص ۱۶۸؛ محقق کرکی، *جامع المقاصد*، ج ۱۳، ص ۳۸؛ شهید ثانی، *مسالك الافهام*، ج ۸، ص ۱۷۵؛ برخی از عالمان اهل سنت مانند ماوردی، *الحاوی الکبیر فی فقه الامام الشافعی*، ج ۹، ص ۴۰۰.

۲. حمیری، *قرب الاسناد*، ج ۳، ص ۳؛ صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۶۵ - ۶۴.

۳. مهر المسمی؛ مالی معین است که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن با توافق طرفین یا نمایندگان آنها تعیین می‌شود.

از حضرت رضا ﷺ روایت شده است که: هرگاه ازدواج کردی، بکوش تا مهر آن از مهرالسنه که ۵۰۰ درهم است، تجاوز نکند. زیرا پیامبر ﷺ بر همین میزان دختران خود را شوهر می‌داد و همسر می‌گرفت.^۱ از این حدیث برمی‌آید که هرچند افزودن بیش از اندازه «مهرالسنه» مکروه و ناپسند است، ولی چنانچه زوجین بر هر مبلغی توافق نمایند - ولو چندین برابر «مهرالسنه» باشد - صحیح است و بر مرد واجب است آن را پرداخت نماید. صاحب جواهر (۱۲۲۶ ق) معتقد است اخبار مربوط به تحدید مهر به «مهرالسنه» فقط استحباب را می‌رساند و تعیین مهریه بیشتر باعث بطلان عقد نمی‌شود.^۲

۲. وجه تسمیه مهرالسنه

درخصوص وجه تسمیه مهرالسنه باید گفت این نام‌گذاری، به سیره و سنت پیامبر ﷺ و دیگر معصومین ﷺ برمی‌گردد و ائمه معصومین ﷺ به هنگام تزویج همسرانشان عیناً از لفظ «مهرالسنه» استفاده کرده‌اند. لذا این لفظ بارها در روایات اهل بیت ﷺ آمده و سفارش‌های مکرری نموده‌اند که مردان و زنان، به همان مهری رضایت دهند که پیامبر خدا ﷺ به‌عنوان بهترین اُسوه قابل پیروی، آن را برای همسران و دختران خود، قرار می‌داده است.

پیشوایان دینی ما، در کنار عمل به سنت نبوی در مهر و تأکید بر فراتر نرفتن از آن، گاه هدیه‌های بارزشی را به همسران خود بخشیده‌اند و نام آن را نه مهر که «نحله (هدیه)» نهاده‌اند. به‌عنوان نمونه، ابن شهر آشوب (۵۸۸ ق) از عکبری به اسنادش از ابو اسحاق نقل می‌کند که امام حسن ﷺ جده دختر اشعث را بر سنت پیامبر ﷺ به نکاح خویش درآورد و ۱۰۰۰ دینار نیز برایش فرستاده است^۳ و از آبی (۴۲۱ ق) گزارش نموده که امام حسن ﷺ، ام حبیب دختر عبدالله بن اهتم^۴ را با مهریه همسران و دختران پیامبر ﷺ، یعنی ۱۲ اوقیه به تزویج خود درآورد، و علاوه بر آن مبلغ ۱۰۰ هزار درهم نیز به او هدیه داده است.^۵

همچنین در گزارش ازدواج امام جواد ﷺ با دختر مأمون آمده است که ایشان مهر او را همان

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۰۵.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴۷.

۳. فضائل العکبری بإسناد عن أبي إسحاق أن الحسن بن علي تزوج جعدة بنت الأشعث بن قيس علي سنة النبي ﷺ وأرسل إليها ألف دينار. (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۷)

۴. در دوره خلافت حضرت علی ﷺ عبدالله بن اهتم یکی از کارگزاران ایشان بودند، و آن حضرت او را به کرمان فرستادند.

۵. آبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۴، ص ۶۷.

مهرالسنه قرار داد و مبلغ ۱۰۰ هزار درهم نیز به عنوان نحله به همسرش بخشید.^۱ در شرح حال ائمه گرامی آمده که آن بزرگواران، گاه هدیه‌هایی به صورت مزرعه، باغ و ... را به خانواده‌هایی نوپا می‌بخشیدند و قصدشان از این کار، بی‌نیاز کردن آنان از تکیه بر دیگران بود. در منابع آمده هنگامی که امام حسین علیه السلام دختر عبدالله جعفر، را به عقد پسر عمویش، قاسم بن محمد بن جعفر درآورد، برای رویارویی با پیشنهاد اعطای کمک مالی یزید به این خانواده، مزرعه حاصلخیز خود را در وادی عقیق، به آن دو بخشید.^۲

البته از این نمونه‌ها، در گزارش تاریخ، فراوان نیست، به گونه‌ای که می‌توان هر یک را مختص حالت خاص و برآمده از فضا و موقعیت ویژه آن ازدواج دانست و جالب توجه آنکه در هیچ‌یک از این گزارش‌ها، سخنی از درخواست قبلی دختر یا خانواده او به میان نیامده است و ارتباطی با مهر (صداق) ندارد. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مهریه کسی از مهرالسنه گذشت، دیگر به آن مهریه نگویند، بلکه بخششی است که صورت می‌پذیرد، چنانچه خداوند در آیه چهار سوره نساء می‌فرماید: اگر به زنان (مال فراوانی) به ظرفیت پوست گاو پر از طلا و یا نقره عطا کردید، باز پس نگیرید، و مراد از آن بخشش است نه مهریه.»^۳ بنابراین باتوجه به این حدیث مهریه‌های مازاد بر مهرالسنه جنبه بخشش دارد، و از این طریق اضافه بخشش‌های معصومین علیهم السلام بر بعضی از زنانشان در مورد ازدواج خویش توجیه گردیده، و تناقضات و تزاجمات اخبار و وقایع تاریخی در این زمینه مرتفع می‌گردد.

۳. محاسبه مهرالسنه به نرخ روز

واحدهای اندازه‌گیری وزن متداول در صدر اسلام با امروزه متفاوت است، برای تشخیص وزن یک سکه طلا و یا نقره برحسب گرم باید واحدهای آن زمان را به گرم تبدیل نمود، همچنین عیار فلزات به کار رفته در سکه‌های آن زمان با زمان کنونی یکسان نبوده است. در این زمینه کتب مختلفی نیز تألیف شده و نتایج مختلفی هم گرفته شده که بحث در مورد آنها از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین برای محاسبه مهرالسنه به نرخ روز به مراجع معتبر امروزی مانند قوه قضائیه^۴ و نظرات مراجع تقلید استناد می‌کنیم.

۱. بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۸.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۷، ص ۲۴۵؛ مُبرَد، الکامل، ج ۳، ص ۱۱۲۹.

۳. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۸.

۴. بخشنامه دیه کامله در ماه‌های غیر حرام از ابتدای سال ۹۶؛ به شماره ۹۰۰۰/۶۷۸۱۳/۱۰۰۰ مورخ ۹۵/۱۲/۱۵ قوه قضائیه، درج در روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۸۰، ۲۵ اسفند ۹۵.

الف. بر اساس نظر قوه قضائیه، دیه کامل یک انسان در سال ۹۶ برابر ۲,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال تعیین شده که معادل ۱۰۰۰ دینار است، یعنی بهای هر دینار ۲,۱۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. (هر دینار شرعی ۱۸ نخود طلا و هر درهم شرعی ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد).
با این حساب، مهریه ۵۰ دیناری برابر است با: ریال $۲,۱۰۰,۰۰۰ \times ۵۰ = ۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰$
ب. با مراجعه به نظرات مراجع تقلید، دینار شرعی به وزن $\frac{۳}{۴}$ گرم تا $\frac{۳}{۶}$ گرم طلا و درهم شرعی معادل $\frac{۲}{۴}$ گرم نقره^۱ می‌باشد.

قیمت یک گرم طلا در تاریخ ۹۶/۶/۱۱ در بازار ۱,۲۵۱,۰۰۰ ریال می‌باشد.
بر این اساس مهریه ۵۰ دیناری برابر است با: ریال $۱,۲۵۱,۰۰۰ \times \frac{۳}{۵} \times ۵۰ = ۳۱۸,۹۲۵,۰۰۰$
ج. قیمت یک گرم نقره در تاریخ ۹۶/۶/۱۱ در بازار ۲,۲۰۰ ریال می‌باشد.
بر این اساس مهریه ۵۰ درهمی برابر است با: ریال $۲,۲۰۰ \times ۲,۴۲ \times ۵۰ = ۲۶۶۲,۰۰۰$
این اختلاف قیمت بین طلا و نقره، ناشی از فزونی نرخ طلا بر نقره بوده که از آن زمان تاکنون رخ داده است. اگر سکه‌های آن زمان الان وجود داشتند، ارزش هر دینار معادل ۸۲۲ درهم می‌گردید و حال آنکه آن زمان هر دینار ده درهم بود.
آنچه مهم است این است که این مبالغ علی‌رغم اختلافاتی که باهم دارند به هیچ وجه با مهریه‌های سنگین امروزی همخوانی ندارند.

نتیجه

مهریه دختران پیامبر ﷺ - زینب، رقیه و ام‌کلثوم - $\frac{۱۲}{۵}$ اوقیه برابر با «۵۰۰ درهم» بوده است. مورخان درباره میزان مهریه فاطمه علیها السلام مختلف‌القول اند ولی می‌توان با اطمینان گفت که مهر آن حضرت از ۵۰۰ درهم فراتر نرفته و مبلغ به دست آمده، حاصل فروش زره، یا مجموع فروش زره و چند چیز دیگر بوده است و آن حضرت سعی بر آن داشتند تا با برقراری مهریه مشخص برای دختران و همسرانشان، میزان مهریه را در بین امت اسلامی الگوسازی کنند، ضمن آنکه هیچ‌گاه این سنت را به دیگران تحمیل نکردند و مقدار و نوع آن را به عهده خودشان گذاشتند.
به مهریه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دختران و همسران خود را با آن به تزویج درآوردند، مهرالسنه می‌گویند و رعایت مهرالسنه در بین مردم جنبه استحبابی دارد. این نام‌گذاری توسط ائمه معصومین علیهم السلام صورت پذیرفته و پیشوایان دینی ما، در کنار عمل به سنت نبوی در مهر و تأکید بر

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی آیات عظام خامنه‌ای، مکارم و سیستانی.

فراتر نرفتن از آن، مسلمانان را به تعیین مهرهای سبک دعوت و تشویق کرده‌اند و به هنگام تزویج همسرانشان عیناً از لفظ مهرالسنة استفاده کرده و درکنار آن، گاه هدیه‌های باارزشی به همسران خود بخشیده و نام آن را نه مهر که «نحله (هدیه)» نهاده‌اند.

مهرالسنة همچون سایر سنن پیامبر ﷺ می‌تواند در زمان‌ها و شرایط مختلف ساری و جاری شود. بدون شک وضع معیشتی مردم در آن زمان با امروز بسیار متفاوت بوده است، اما همان‌طور که احکام فقهی در مسائل حقوقی مانند احکام دیه، اقتباس از همان رویه‌های صدر اسلام است، با همان مبالغ و حتی همان مصادیق (هنوز هم دیه یک انسان برحسب شتر حساب می‌شود) چه مانعی دارد در این موضوع نیز به این سنت تأسی شود. البته تفاوت مهرالسنة با سایر سنت‌ها در این است که در این مورد حکم قطعی و لازم‌الاجرا وجود ندارد، به همین دلیل در مقایسه آن بین زمان حال و دوران صدر اسلام نیازی به بررسی موشکافانه در حد مسائل حقوقی نبوده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. آبی، منصور بن الحسین الرازی، *نثر الدر فی المحاضرات*، تحقیق خالد عبد الغنی محفوظ، لبنان، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۳. آلوسی، محمود شکر، *بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب*، تحقیق محمد بهجة أثری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۱۴ ق.
۴. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، قاهره، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۹۶۷ - ۱۹۶۵.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۹۹۷ م.
۶. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغایة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۸. ابن جوزی، عبدالرحمن، *تذکرة الخواص*، بیروت، بی تا، ۱۴۰۱ ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن، *صفة الصفوة*، القاهرة مصر، دار الحدیث، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م.
۱۰. ابن حبان، صحیح، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ق.

۱۱. ابن حبيب، ابوجعفر محمد بن حبيب بغدادی،؟؟؟، تصحيح ليختن اشتين، بيروت، منشورات دار الآفاق الجديدة، بی تا.
۱۲. ابن حَجَر عَسَقَلَانِي، احمد بن علي، الاصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ابن حَجَر عَسَقَلَانِي، احمد بن علي، تهذيب التهذيب، بيروت، دار صادر، بی تا.
۱۴. ابن حَجَر عَسَقَلَانِي، احمد بن علي، فتح الباری شرح البخار، بيروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
۱۵. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۶. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت، دار الجيل، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، محقق مفيد محمد قميح، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۰۴.
۱۸. ابن عساكر الدمشقي، علي بن الحسن، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسميه من حلها من الأمثال، بيروت، دارالفكر ۱۹۹۵ م.
۱۹. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، ۱۵ جلد، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. ابن ماجه، حافظ ابن ماجه قزويني، سنن ابن ماجه، بيروت، دار احياء التراث العربي، بی تا.
۲۲. ابن مغازلي، ابوالحسن، مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، صنعاء، الدار الآثار، الطبعة الأولى، ۱۴۲۴ ق.
۲۳. ابن منظور، جمال الدين ابوالفضل، لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. ابن هشام، عبدالملك بن ايوب، السيرة النبوية، تهران، كتابچی، چاپ ۵، ۱۳۷۵.
۲۵. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، تهران، انتشارات فرهنگ و انديشه، ۱۳۷۴.
۲۶. أبو يعلى الموصلي، الحافظ أحمد، مسند ابی يعلى، بی جا، طبعة دار المأمون للتراث، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. ابوالصلاح حلبی، الكافي في الفقه، اصفهان، چاپ رضا استادی، ۱۳۶۲.

- ۹۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، پاییز ۹۷، ش ۳۲
۲۸. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الائمة*، قم، دارالمعرفة، بی تا.
۲۹. بستانی، بطرس، *محیط المحيط*، بیروت، چاپ مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۳ م.
۳۰. بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی / ترجمه المنجد الابدی*، مترجم رضا مهیار، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰.
۳۱. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۳۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *السنن الكبرى*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۳۳. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳۴. ترمذی، عبد السلام، *الزواج عند العرب فی الجاهلیة والاسلام*، دمشق، طلاس، بی تا.
۳۵. ثعلبی، احمد بن محمد، *تفسیر ثعلبی*، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۳۶. جاحظ، عمرو بن بحر، *الحيوان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۳۷. جر، خلیل، *فرهنگ لاروس*، تهران، انتشارات اسمائیلیان، چاپ ۲۳، ۱۳۶۳.
۳۸. جمعه، محمد محمود، *النظم الاجتماعية والسياسية عند قدماء العرب و الامم السامية*، بی جا، بی تا، ۱۹۴۹ م.
۳۹. حضرمی، ابوبکر، *رشفة الصادی*، قاهره، بی تا، ۱۳۰۳.
۴۰. حلّی، نجم الدین جعفر بن سعید، *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تبریز، علمی، چاپ اول، ۱۲۸۵.
۴۱. حلّی، یوسف بن حلّی، *تبصرة المتعلمين فی احکام الدين*، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۴۲. حلّی، یوسف بن حلّی، *مختلف الشيعة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۴۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، ۷ ج، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.

۴۵. خواجه‌نوی، إسماعیل بن محمد، *جامع الشتات*، بی‌جا، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی‌تا.
۴۶. خوارزمی، محمد بن عباس، *مفید العلوم ومبید الهموم*، بیروت، المكتبة النصرية، ۱۴۱۸ ق.
۴۷. خوارزمی، موفق بن احمد، *المناقب*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۴۸. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۴۹. دیار بکری، حسین بن محمد، *تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
۵۰. الدیلمی، أبو شجاع شیرویه بن شهردار، *الفردوس بمأثور الخطاب*، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۵۱. دینوری، أبو محمد، *تأویل مختلف الحدیث*، بی‌جا، المکتب الاسلامی - مؤسسه الإشراف، الطبعة الثانية، مزیدة ومنقحة ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.
۵۲. دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، *غریب الحدیث*، بی‌جا، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۵۳. ذهبی، شمس‌الدین محمد، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق الرناووت، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۴.
۵۴. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام وفيات المشاهیر والاعلام*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۵۵. راغب الاصفهانی، حسین، *محاضرات الأدباء*، بیروت، شرکت دارالارقم بن ارقم، ۱۴۲۰ ق.
۵۶. راغب الاصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۵۷. زرندی، جمال‌الدین، *نظم درر السمطین*، بی‌جا، دار النشر: مکتبة الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامة، الطبعة الأولى، ۱۳۷۷ ق.
۵۸. زمخشری، محمود بن عمر، *ربیع الابرار و نصوص الاخیار*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.

- ۹۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، پاییز ۹۷، ش ۳۲
۵۹. زنجی سجزی، محمود، *مهذب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۶۰. سبزواری، عبد الأعلى، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام*، نجف، مطبعة الآداب، چاپ ۲۹، ۱۳۹۶ ق.
۶۱. سجستانی، ابوداود، *سنن ابی داود*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۶۲. سیوطی، جلال‌الدین، *الثغور الباسمة فی مناقب فاطمة علیها السلام*، بیروت، مرکز الدراسات وبحوث العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۶۳. شعرانی، أبو الحسن، *تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین*، تهران، منشورات اسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۱۹ ق.
۶۴. شوقی ضیف، عبدالسلام، *تاریخ الأدب العربی العصر الجاهلی*، مصر، دار المعارف، بی تا.
۶۵. شیبانی المروزی، أحمد بن محمد بن حنبل، *مسند أحمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۶۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، *أحكام النساء*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۶۷. _____، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۶۸. _____، *رسالة فی المهر*، تحقیق شیخ مهدی، نجف، ناشر المؤتمر العالمی لافیه الشیخ المفید، بی تا.
۶۹. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴.
۷۰. صدوق، ابن بابویه قمی، ابوجعفر، *المقنع*، تهران، الجوامع الفقهیة، ۱۲۷۶ ق.
۷۱. صدوق، ابن بابویه قمی، ابوجعفر، *معانی الأخبار*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، بی تا، ۱۳۶۱.
۷۲. صدوق، ابن بابویه قمی، ابوجعفر، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۷۳. صدوق، ابن بابویه قمی، ابوجعفر، *فقه الرضا*، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۶ ق.
۷۴. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم، *منتهی الارب*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
۷۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *المعجم الكبير*، الموصل، مكتبة الزهراء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ ق.
۷۶. طبری، محب الدین، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، قم، دار الكتاب الإسلامی، ۱۳۸۶.
۷۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل والملوک*، بیروت، دار التراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ ق.
۷۸. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، بی جا، مكتب النشر الثقافة الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۷۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *النهاية*، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۲، ۱۴۰۰ ق.
۸۰. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، تهذیب الأحکام، تهران، بی نا، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸۱. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۸۲. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *مسالك الأفهام*، بی جا، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ج ۱، ۱۴۱۶ ق.
۸۳. عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، بیروت، دار الإحياء التراث العربیة، ۱۴۱۰ ق.
۸۴. عسکری، حسین بن عبدالله (ابوهلال)، *الأوائل*، مصر، دار البشیر، ۱۴۰۸.
۸۵. عسکری، جمهرة الامثال، *أوائل*، مصر، دار البشیر، ۱۴۰۸ ق.
۸۶. علوی، علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبین*، قم، مكتبة المرعشی، ط ۱، ۱۴۰۹ ق.
۸۷. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دارالعلم الملابین، چاپ دوم، ۱۹۷۸ م.
۸۸. فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الكبير*، قاهره، أفست (تهران)، بی تا.
۸۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم، هجرت، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.

- ١٠٠ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ٩، پاییز ٩٧، ش ٣٢
٩٠. فسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفة والتاریخ*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠١ ق.
٩١. فیروزآبادی شیرازی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، ٤ ج، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.
٩٢. فیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دار الهجرة، ١٤١٤ ق.
٩٣. قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق، ترجمه سیرت رسول الله ﷺ، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ١٣٧٧.
٩٤. قاضی ابن براج طرابلسی، *المهذب*، عبد العزیز بن نحریر، قم، مؤسسة نشر آثار اسلامی، ١٤٠٦ ق.
٩٥. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامی، ١٣٦٧.
٩٦. قرطبی، محمد بن احمد، *تفسیر قرطبی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٧.
٩٧. قسطلانی، احمد بن محمد، *المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٦ ق.
٩٨. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة لذوی القربی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا، دار الأسوة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى، ١٤١٦ ق.
٩٩. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.
١٠٠. کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الامام أمير المؤمنين علی ؑ*، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، الطبعة الأولى، ١٤١٢ ق.
١٠١. گنجی شافعی، یوسف، *لغایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب ؑ*، بیروت، دار الاحیاء التراث، ١٤٠٤.
١٠٢. لیمود، حامد محمود بن منصور، *منتقى النقول فی سیرة أعظم رسول*، مکه المکرمة، رابطة العالم الإسلامی، ١٩٨٢ م.
١٠٣. ماوردی، أبو الحسن، *الحاوی الکبیر فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ١٤١٩ ق / ١٩٩٩ م.

بررسی و تحلیل مهریه دختران پیامبر ﷺ □ ۱۰۱

۱۰۴. مُبرّد، محمد بن یزید، *الکامل فی اللغة والأدب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
۱۰۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۰۶. محقق کرکی، علی بن حسین عاملی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، محقق / مصحح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت ﷺ، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۷. محلی الشافعی، حسین بن محمد، *الافصاح عن عقد النکاح علی المذاهب الاربعه*، سوریه، دار العلم العربی بحلب، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
۱۰۸. معلوف، لويس، *المنجد فی اللغة والاعلام*، تهران، اسماعیلیان، چاپ ۲۳، ۱۹۷۸ م.
۱۰۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۱۰. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، *اللمعة الدمشقیه*، قم، دار الفکر، ۱۴۱۱.
۱۱۱. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، *اللمعة الدمشقیه*، قم، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۱۱۲. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، ط ۷، بی تا.
۱۱۳. نراقی، احمد بن محمد، *رسائل و مسائل*، تهران، نور محبت، ۱۳۹۱.
۱۱۴. نوری، حسین بن محمد، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۰۸ ق.
۱۱۵. نیشابوری، حاکم، *مجمع الامثال*، ج ۲، بی جا، بی تا، بی تا.
۱۱۶. هیتمی سعدی انصاری، ابن حجر، *صواعق المحرقة*، قاهره، مکتبه قاهره، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۱۱۷. هینتس، والتر، *اوزان و مقیاسها در اسلام*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۱۸. واقدی، محمد بن عمر، *السير والمغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق.
119. *The encyclopaedia of Islam*, 18- glossary of Islamic terms & concepts:
The encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1999.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی